

طعمه

مایکل کرایتون

قاسم کیانزاده مقدم



کرایتون، مایکل، ۱۹۴۲-۲۰۰۸ م. Crichton, Michael

سرشناسه

طعمه/مایکل کرایتون/ترجمه قاسم کیانی مقدم

عنوان و نام پدیدآور

یوبان ۱۳۹۵

مشخصات نشر:

۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م. ۴۰۰ ص

مشخصات ظاهری

۳-۰۱-۸۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸

شابک

فیبا

وضعیت فهرست نویسی

عنوان اصلی: prey 2002

یادداشت

کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان شکار با ترجمه نازیلا داوری دولت آبادی توسط نشر بیت منتشر شده است

یادداشت

چاپ قبلی: آید مهر ۱۳۸۴

یادداشت

دولستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.

موضوع

کیانی مقدم، قاسم ۱۳۴۹ - مترجم

نشره افزوده:

۱۳۹۵ ش ۲/۲ PS۲۵۶۶

رده: کتاب کنگره

۸۱۳/۵۴

بندی: س. م.

۴۴۲۸۳۱۷

شابک: شناسی ملی



Proy

طعمه

ترجمه: قاسم کیانی مقدم

مایکل کرایتون

چاپ: کامیاب

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN 978-600-8349-01-3

شابک: ۳-۰۱-۸۳۴۹-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات یوبان

مشهد، صندوق پستی ۳۳۳-۹۱۷۵۵

تلفن و دورنگار: ۰۹۱۵۵۷۱۸۲۷۷-۰۹۱۵۵۶۶۴۱۴۴-۰۲۱

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

فهرست

.....	پیش‌گفتار
.....	مقدمه
۷.....	خانه
۳۵.....	بیابان
۹۶.....	آشیانه
۵۳.....	طعمه
۲۸.....	کتابشناسی
۳۱.....	یادداشت‌ها

پیش‌گفتار

مایکل کرایتون، که به او لقب «پدر داستان‌های علمی-تخیلی پر هیجان» داده‌اند، در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۲ در شهر شیکاگوی آمریکا به دنیا آمد. از دبیرستان با نمره عالی فارغ‌التحصیل شد، و تصمیم گرفت برای مطالعه‌ی زبان انگلیسی به «نشگاه هاروارد» برود. اما انتقادات مکرر استادان به اندازه‌ای او را عذاب داد که معالجات از جرج اورول را به نام خودش تحویل داد. استادان، غافل از این سرقت ادبی، به اورول نمره‌ی «ب منفی» دادند. این تجربه او را متقاعد کرد که رشته‌ی ادبی را عوض کند و به مطالعه‌ی انسان‌شناسی بپردازد.

کرایتون با درجه‌ی ممتاز از دانشگاه هاروارد در رشته‌ی انسان‌شناسی فارغ‌التحصیل شد و سپس به تحصیل پزشکی در دانشکده‌ی پزشکی هاروارد پرداخت. در این مدت، با نام‌های مستعار مختلف، داستان‌های دلهره‌آور معمایی می‌نوشت، که یکی از آنها به نام «بیک موت» تحت «ج» در سال ۱۹۶۸ جایزه‌ی آمریکایی «ادگار آلن پو» را از آن خود کرد.

پس از پایان تحصیل در دانشکده‌ی پزشکی هاروارد، به عنوان دستیار فوق‌دکتر پذیرفته شد. اما انتشار اولین رمان با نام واقعی اثرش، «سویه‌ی آندرومدا» در سال ۱۹۶۹، کارش در حرفه‌ی پزشکی را تحت الشعاع قرار داد. این کتاب، که در باره‌ی یک میکروب کشنده است، در صدر لیست کتاب‌های پرفروش جای گرفت، و بعداً فیلم پربیننده‌ای نیز بر پایه‌ی آن ساخته شد. کرایتون در باره‌ی تصمیمش برای پرداختن به شغل نویسندگی گفته است: «رها کردن پزشکی برای نویسنده شدن از دید خیلی از مردم مانند بیرون آمدن از دادگاه عالی و تبدیل شدن به کفیل یک زندانی بود.»

سپس تصمیم گرفت بخت خود را در کارگردانی نیز بیازماید، و در نهایت چندین فیلم را کارگردانی کرد، که از آن جمله، فیلم علمی-تخیلی سال ۱۹۷۳ «دنیای غرب» نخستین فیلمی است که از جلوه‌های ویژه‌ی رایانه‌ای استفاده کرده است.

پس از «مرد پایانه‌ای»، کتاب‌های «کنگو» و «کره» را نوشت و به عنوان استاد افتخاری به مؤسسه‌ی فناوری ماساچوست دعوت شد. دهه‌ی ۱۹۹۰ را با انتشار معروف‌ترین کتابش «پارک ژوراسیک» آغاز کرد که نمونه‌ای قوی از بهره‌گیری از علم و فناوری به عنوان بستری برای کارهای او است. در این کتاب، بحث درباره‌ی مهندسی ژنتیک، نظریه‌ی آشوب، و دیرین‌شناسی را با ماجراهای رسناک دایناسورهای شبیه‌سازی شده در آمیخته است. این کتاب الهام‌بخش فیلم معروف سال ۱۹۹۳ استون اسپیلبرگ شد.

مجموعه‌ی تلویزیونی «ورژانس» به کارگردانی مایکل کرایتون، در سال ۱۹۹۵ چندین جایزه به عنوان برجسته‌ترین سریال تلویزیونی کسب کرد. در همین سال، ادامه‌ی «پارک ژوراسیک» را به نام «دنیای گمشده» منتشر کرد. به خاطر سهمی که مایکل کرایتون در علاقه‌مند کردن عموم به علم دیرین‌شناسی داشت، دایناسوری که در جنوب چین کشف شده بود، به اسم او نامگذاری شد. او در باره‌ی این افتخار گفت: «رای کسی مثل من، این خیلی بهتر از یک جایزه‌ی آکادمیک است.»

پس از «خط زمان»، «طعمه» جدیدترین کتاب مایکل کرایتون است. در سراسر دنیا، میلیون‌ها نفر کتاب‌های او را با علاقه‌ی وافر مطالعه می‌کنند و دریغ است فارسی‌زبانان از این فرصت بی‌بهره باشند. از این رو است که ترجمه‌ی فارسی «طعمه» تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

ظرف پنجاه تا صد سال آینده، احتمالاً نوع جدیدی از موجودات پدید خواهند آمد. اینها موجوداتی مصنوعی خواهند بود، بدین معنا که در آغاز طراحی آنها به دست بشر صورت خواهد گرفت. اما، توانایی تولید مثل خواهند داشت و به چیزی غیر از شکل اولیه‌ی خود «تکامل» خواهند یافت؛ این موجودات بر اساس هر تعریف عقلانی که برای حیات در نظر بگیریم، زنده خواهند بود. آنها به روشی اساساً متفاوت تکامل پیدا خواهند کرد... سرعت تکامل... بسیار سریع خواهد بود... تأثیر آنها بر انسان و زیست‌سبهر تأثیری شگرف و حتی بزرگ‌تر از تأثیر انقلاب صنعتی، سلاح‌های هسته‌ای، و یا آلودگی محیط زیست خواهد بود. ما هم‌اینک باید برای شکل دادن چگونگی ظهور این موجودات مصنوعی اقدام کنیم...

— دوین فارمر^۱ و آلتا بلین^۲، ۱۹۹۲

افراد زیادی، از جمله خود من، در باب عواقب این فناوری در آینده شدیداً نگران‌اند.

— ک. ا. دیکس^۳، ۱۹۹۲

1- Doyne Farmer.

2- Alletta Belin.

3- K. Eric Drexler.

مقدمه

تکامل مصنوعی در قرن بیست و یکم

این مفهوم که جهان اطراف ما مدام در حال تکامل است، به قدری پیش پا افتاده به نظر می‌رسد که کمتر معنای واقعی آن را درک می‌کنیم. مثلاً، شاید توجه نکنیم که یک گیاه، همه گیر، در حین گسترش یافتن همه گیری، ماهیت خود را تغییر می‌دهد. یا ما باید بدانیم عجیب باشد که بدانیم که تکامل در گیاهان و حیوانات در عرض چند روز یا چند هفته صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، معمولاً جهان سبز اطراف خود را محضه‌ای جنگ‌های شیمیایی پیشرفته و مداوم نمی‌دانیم که در آن گیاهان در پاسخ به حمله، آفت کش تولید می‌کنند، و حشرات ایجاد مقاومت می‌کنند. ولی واقعیت در باره‌ی دنیای اطراف ما همین است.

اگر فرار بود مفهوم واقعی طبیعت را در یادمان نگذاشتیم معنای واقعی تکامل را درک کنیم — جهانی را به تصور می‌آوریم که در آن هر گیاه، حشره، و گونه‌ی جانوری در هر لحظه در پاسخ به هر گیاه، حشره، یا جانور دیگر تغییر می‌کند. کل جمعیت‌های موجودات زنده در حال فراز و نشیب و تغییر و تحول‌اند. این تغییر آرامش‌ناپذیر و ابدی، که هم‌زمان با وجود و مد دریا بی‌وقفه و لایتغیر است، نشان می‌دهد که در این جهان، تمام ابعاد انسان ضرورتاً اثراتی نامعین دارد. مجموعه‌ی کامل سامانه‌ای که زیست‌سپهر نامیده می‌شود، به قدری پیچیده است که نمی‌توانیم عواقب هیچ‌یک از کارهایی را که می‌کنیم، از قبل تعیین نماییم.^۱

از این رو است که حتی درخشان‌ترین تلاش‌های گذشته‌ی ما پیامدهای نامطلوبی داشته است: یا درک ما کافی نبوده و یا دنیای دایماً در حال تغییر به

اعمال ما پاسخی غیرمنتظره داده است. از این نظرگاه، تاریخ حفاظت محیط زیست همانقدر نوید کننده است که تاریخ آلوده سازی محیط زیست. مثلاً اگر کسی مدعی باشد که سیاست صنعتی ریشه کنی درختان جنگل مخرب تر از سیاست بوم شناختی جلوگیری از حریق است، از این نکته غفلت کرده است که این هر دو سیاست با اعتقادی راسخ به اجرا گذاشته شده اند، و هر دو جنگل های بکر را به صورتی برگشت ناپذیر تغییر داده اند. هر دو مدرک فاطمی بر خود محوری سرسختانه ی بشر در تعامل با محیط زیست هستند.

این واقعیت که پاسخ زیست سپهر به کارهای ما پیش بینی ناپذیر است، برای ما عملی ما نیست. اما، ضرورت واضحی برای احتیاط است، بدین معنا که باید در آنچه باور داریم و هر کاری که می کنیم، بیشتر تأمل کنیم. متأسفانه بسیاری ما، گذشته بی احتیاطی های زیادی کرده است. به سختی می توان تصور کرد که رفتار ما در آینده تفاوتی با گذشته داشته باشد.

تصورمان این است که می دانیم چکار می کنیم. همیشه همینطور بوده است. ظاهراً هیچ وقت نمی خواهیم اذعان کنیم که در گذشته اشتباه کرده ایم، و شاید در آینده هم در اشتباه باشیم. بلکه هر نسل خطاهای نسل گذشته را حاصل تفکر نادرست ذهن افرادی با قابلیت تفکر کمتر از خود می انگارد — و بعد خود، با اطمینان، به خطاهایی جدید دست می یازد.

ما یکی از سه گونه ای بر روی سیاره خود هستیم که می توانیم ادعا کنیم که خود آگاه هستیم، اما و با این حال، شاید بتوانیم تا آگاهی از خود از صفات بارزتر نوع ما است.

روزی در قرن بیست و یکم، این بی قیدی و ناخود آگاهی ما با توان فنی روزافزونمان برخورد خواهد کرد. یکی از حیطه هایی که به اتفاق خواهد افتاد، نقطه ی تلاقی نانو فناوری، فناوری زیستی، و فناوری رایانه است. نقطه ی اشتراک این سه فناوری، توانایی رها کردن موجودات تکثیر شونده در محیط زیست است.

هم اینک چند سالی است که با نخستین نوع از موجودات تکثیر شونده، یعنی ویروس های رایانه ای، زندگی می کنیم. در رابطه با فناوری زیستی نیز به تدریج مشکلاتی عملی رخ می نمایند. اخیراً گزارش شده که بر خلاف قوانین

موجود و تلاش‌هایی که برای پیشگیری از چنین رویدادی انجام شده است، در ذرت‌های بومی مکزیکیک ژن‌های ذرت تغییر یافته ظاهر شده است، و این فقط شروع چیزی است که احتمالاً راهی دور و دراز برای کنترل فناوری ما خواهد بود. در عین حال، با آنکه از سال‌های ۱۹۷۰ اکثر زیست‌شناسان مبلغ بی‌خطر بودن فناوری زیستی بودند، ولی امروزه این باورها کمتر قابل اطمینان به نظر می‌رسند. ایجاد سهوی و ویروسی کشنده توسط پژوهشگران استرالیایی در سال ۲۰۰۱ بسیاری را بر آن داشته است که در باورهای گذشته‌ی خود بازنگری کنند. روشن است که در آینده این فناوری را جدی‌تر از گذشته مورد توجه قرار خواهیم داد.

نانوفناوری در این بیان از دو فناوری دیگر جدیدتر است، و از بعضی جهات ریشه‌ای‌تر از آنهاست. نانو فناوری تلاش برای ساختن ماشین‌هایی با ابعاد بی‌اندازه کوچک در مقیاسی ۱۰۰ نانومتر، یعنی یکصد میلیارد متر است. این چنین ماشین‌هایی حدود ۱۰۰ برابر کوچک‌تر از قطر موی انسان خواهد بود. خبرگان پیش‌بینی می‌کنند که این ماشین‌ها هر چیزی را برای ما میسر خواهند ساخت، از اجزای مینیاتوری رایانه گرفته تا درمان‌های جدید برای سرطان و جنگ‌افزارهای جدید.

نانوفناوری، به عنوان یک مفهوم، به یک سخنرانی بر می‌گردد که ریچارد فاینمن^۱ در سال ۱۹۵۹ تحت عنوان «در پایین جا نیست» ایراد کرد. آن‌اکنون که چهل سال از آن روز می‌گذارد، این عرصه هنوز رجوع هیاهوی رسانه‌ای زیاد، در آغاز راه خود است. لیکن اکنون پیشرفت‌هایی چشم‌انداز در حال شکل گرفتن است و میزان سرمایه‌گذاری در این زمینه به طور اغراق‌آمیز افزایش یافته است. شرکت‌های بزرگی همچون IBM، فوجیتسو، و اینتل در رقابتی برای یافتن راه این تحقیقات صرف می‌کنند. در طول دو سال گذشته، دولت آمریکا ۱ میلیارد دلار در زمینه‌ی نانو فناوری هزینه کرده است.

1- Richard Feynman.

2- 富士通.

3- Intel.

در حال حاضر، از نانو فناوری برای ساختن ضد آفتاب، پارچه های ضد لک، و مواد ترکیبی خودروها استفاده می شود. به زودی از آنها برای ساخت رایانه و لوازم ذخیره ی اطلاعات با ابعاد بسیار کوچک استفاده به عمل خواهد آمد.

بالاخره، بعضی از محصولات «معجزه آسایی» هم که از دیرباز مورد انتظار بوده اند، به تدریج پا به عرصه ی گیتی می گذارند. در سال ۲۰۰۲، یک شرکت شیمی پنجره ی خود تمیز شونده می ساخت؛ شرکت دیگری یک باند زخم نانو کریستالی عرضه کرد که خواص آنتی بیوتیکی و ضد التهابی نیز داشت. گرچه نانو فناوری در درجه ی اول به فناوری مواد مربوط می شود، ولی قابلیت های آن بسیار فراتر از این است. از ده ها سال پیش، حدس و گمان هایی در باره ی ماشین های خود تکثیر شونده وجود داشته است. در سال ۱۹۸۰، مقاله ای از ناسا به تشریح روش های مختلفی که می توان چنین ماشین هایی ساخت، پرداخته بود. پیش، دو دانشمند فرهیخته این امر را جدی گرفتند:

ظرف پنجاه سال آینده، احتمالاً نوع جدیدی از موجودات پدید خواهند آمد. اینها موجوداتی مصنوعی خواهند بود، بدین معنا که در آغاز طراحی آنها به دست بشر صورت خواهد گرفت. اما، توانایی یادگیری خواهند داشت و به چیزی غیر از شکل اولیه ی خود تکامل خواهند یافت؛ این موجودات بر اساس هر تعریف عقلانی که بشری در نظر بگیریم، «زنده» خواهند بود... سرعت تکامل بسیار سریع خواهد بود... تأثیر آنها بر انسان و زیست سپهر تأثیر سنگین و حتی بزرگ تر از تأثیر انقلاب صنعتی، سلاح های هسته ای، و یا آلودگی محیط زیست خواهد بود. ما هم اینک باید برای شکل دادن چگونگی ظهور این موجودات مصنوعی اقدام کنیم...^{۱۵}

و ک. اریک در کسبر که خود از پیشنهاد کنندگان اصلی نظریه‌ی نو فناوری بود، نگرانی‌هایی را در این رابطه بیان کرده است: افراد زیادی، از جمله خود من، در باره‌ی عواقب این فناوری در آینده شدیداً نگران‌اند. در اینجا بحث بر سر تغییر دادن چیزهای خیلی زیادی است، به طوری که خطر اینکه جامعه به علت عدم آمادگی نتواند با آن به خوبی مواجه شود، بسیار زیاد است.^{۱۶}

حتی با خشنودترین (یا بدبینانه‌ترین) پیش‌بینی‌ها هم، ظهور اینگونه ارگانسیم‌ها ده‌ها سال با زمان ما فاصله خواهد داشت. شاید بتوانیم امیدوار باشیم که تا آن زمان توانسته باشیم کنترل‌هایی بین‌المللی را برای فناوری‌های تکثیر شونده وضع نماییم. با این حال، این کنترل‌ها را باید با سختگیری به مرحله‌ی اجرا بگذاریم، و بروس سازان رایانه‌ای نیز هم‌اینک فهمیده‌ایم که باید چنان سختگیری را اعمال کنیم که شاید بیست سال پیش قابل تصور هم نبود. یاد گرفته‌ایم که مرزها را روانه‌ی زندان کنیم. متخصصان بزهکار فناوری زیستی نیز به زودی به این خواهند پیوست.

ولی البته همیشه این احتمال وجود دارد که در برقراری اینگونه کنترل‌ها اهمال کنیم. و یا شاید کسی بتواند خیلی زودتر از آنکه کسی انتظارش را داشته باشد، موجودات تکثیر شونده بسازد. اگر چنین باشد، به سختی می‌توان عواقب احتمالی آن را پیش‌بینی کرد. این موضوع داستان حاضر است.

مایکل کراتون

سپتامبر، ۲۰۰۲